



تاریخچه مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۳/۱

فصلنامه علمی پژوهشی آفاق حکمت

سال سوم، شماره نخست، بهار ۱۴۰۵، ص ۵ تا ۲۶



بررسی تحلیلی مسئله‌ی تشکیک وجود، بر اساس آرای علامه طباطبایی (قده)

شهاب الدین فروزانی  طلبه‌ی درس خارج حوزه‌ی علمیه‌ی قم
Foouzanishahab@gmail.com

چکیده

نوع مقاله

علمی پژوهشی

مفهوم تشکیک، به‌عنوان یکی از بنیادی‌ترین مباحث فلسفی در اندیشه اسلامی، از منظر علامه طباطبایی، دریچه‌ای نوبه‌سوی فهم حقیقت وجود و مراتب آن می‌گشاید. این مقاله با هدف تبیین دیدگاه علامه در باب تشکیک وجود، روشی تحلیلی-تفسیری را در پیش گرفته و با استناد به آثار اصلی ایشان، از جمله بدایة الحکمة و نهایة الحکمة، به بررسی این مفهوم می‌پردازد. پژوهش حاضر نشان می‌دهد که علامه تشکیک را نه تنها به‌عنوان یک اصل فلسفی، بلکه به‌مثابه پلی میان فقه، اصول و فلسفه اسلامی مطرح می‌کند، که با تبیین مراتب وجود، امکان فهم عمیق‌تری از احکام شرعی و مبانی معرفتی فراهم می‌آورد. یافته‌های این تحقیق بر نوآوری علامه در تقریر تشکیک و ارتباط آن با فقه تأکید دارد، به‌گونه‌ای که این مفهوم به‌عنوان چارچوبی برای تحلیل احکام شرعی در منابع فقهی نیز کاربرد دارد. کلیدواژه: تشکیک وجود، علامه طباطبایی، حکمت متعالیه، فلسفه اسلامی، مراتب حقیقت

مقدمه

در سپهر فلسفه اسلامی، مفهوم تشکیک وجود چونان نگینی درخشان، ذهن فیلسوفان را به خود مشغول داشته است. این مفهوم، که ریشه در آرای ملاصدرا دارد، در اندیشه علامه طباطبایی به شکلی بدیع و عمیق بازتاب یافته است. تشکیک، به معنای مراتب دار بودن وجود، نه تنها یک نظریه فلسفی، بلکه چارچوبی برای فهم نظام هستی و ارتباط آن با علوم اسلامی نظیر فقه و اصول است. پرسش اصلی این پژوهش آن است که چگونه علامه طباطبایی با تقریر تشکیک، پلی میان فلسفه و فقه ایجاد کرده و این دیدگاه چه نوآوری‌هایی در تحلیل احکام شرعی به همراه دارد؟ ضرورت این پژوهش از آن روست که تشکیک، به عنوان کلیدی برای فهم مراتب حقیقت، می‌تواند در تبیین مسائل فقهی، به‌ویژه در حوزه‌هایی چون قصاص و دیات، راهگشا باشد.

سراغاز

پیشینه این بحث به آرای ابن‌سینا و ملاصدرا بازمی‌گردد، اما علامه طباطبایی با تکیه بر روشی رئالیستی و استدلالی، تقریری نو از تشکیک ارائه کرده که نه تنها در فلسفه، بلکه در فقه و اصول نیز تأثیرگذار است. این مقاله با بررسی آثار علامه، از جمله اصول فلسفه و روش رئالیسم و تفسیر المیزان، به دنبال تبیین این نوآوری‌هاست. جنبه نوآورانه پژوهش در ارائه استدلالی جدید برای ارتباط تشکیک با احکام فقهی است که می‌تواند به بازخوانی منابع فقهی از منظری فلسفی منجر شود (طباطبایی، 1382، ص 12).

تشکیک در فلسفه علامه: بنیان‌های نظری

تشکیک وجود، در نگاه علامه طباطبایی، به معنای تفاوت مراتب وجود در شدت و ضعف است که همه موجودات را در یک سلسله مراتبی از وجود متصل می‌کند. برخلاف اشتراک لفظی یا معنوی وجود، علامه با استناد به حکمت متعالیه، وجود را حقیقتی واحد می‌داند که در مراتب مختلف ظهور می‌یابد. این دیدگاه در *بدایة الحکمة* به گونه‌ای روشن تبیین شده است، جایی که علامه وجود را به مثابه نوری می‌داند که در مراتب مختلف شدت و ضعف می‌یابد، اما ذاتاً یکی است (طباطبایی، 1382، ص 50). این نگاه نه تنها در فلسفه، بلکه در تحلیل مسائل فقهی نیز کاربرد دارد، زیرا مراتب وجود می‌تواند مراتب احکام شرعی را نیز توضیح دهد. برای مثال، در فقه قصاص، تفاوت در مراتب حیات انسانی و ارزش وجودی آن، مبنای احکام متفاوتی قرار می‌گیرد (سبحانی، 1382، ص 5).

علامه در *نهایة الحکمة* تشکیک را به عنوان مبنایی برای فهم وحدت و کثرت در عالم هستی معرفی می‌کند. او استدلال می‌کند که وجود، حقیقتی است که از واجب‌الوجود تا ممکنات در مراتب مختلف جریان دارد، و این مراتب در فهم احکام شرعی، به‌ویژه در حوزه‌هایی چون دیات، نقش کلیدی ایفا می‌کند (طباطبایی، 1382، ص 62). این دیدگاه، که ترکیبی از فلسفه و فقه است، نوآوری علامه را در به کارگیری تشکیک برای تبیین احکام شرعی نشان می‌دهد.

ارتباط تشکیک با فقه: بازخوانی احکام شرعی

یکی از نوآوری‌های علامه طباطبایی، کاربرد تشکیک در تحلیل احکام فقهی است. در فقه شیعه، احکام شرعی مانند قصاص و دیات بر مبنای ارزش وجودی انسان‌ها و مراتب حیات آن‌ها تنظیم شده‌اند. علامه در تفسیر المیزان با استناد به آیات قرآن، نشان می‌دهد که مراتب وجود انسان‌ها در احکام شرعی بازتاب دارد. برای مثال، آیه 178 سوره بقره که به قصاص اشاره دارد، به تفاوت ارزش وجودی انسان‌ها در مراتب مختلف حیات اشاره می‌کند (طباطبایی، 1382، ص 123). این دیدگاه با آنچه در جواهر الکلام آمده همخوانی دارد، جایی که نجفی ارزش وجودی انسان را مبنای احکام قصاص می‌داند (نجفی، 1362، ج 41، ص 10). این رویکرد علامه، امکان بازخوانی منابع فقهی مانند وسائل الشیعة و تحریر الوسيلة را از منظری فلسفی فراهم می‌کند. برای نمونه، در وسائل الشیعة، روایات متعددی درباره مراتب دیات وجود دارد که می‌توان آن‌ها را با مفهوم تشکیک تحلیل کرد (حر عاملی، 1409، ج 19، ص 15). این بازخوانی نه تنها تازگی دارد، بلکه به فهم عمیق‌تر احکام شرعی کمک می‌کند.

تشکیک در نظام هستی و پیوند آن با فقه

تشکیک وجود: چارچوبی برای فهم نظام هستی

در اندیشه علامه طباطبایی، تشکیک وجود نه تنها یک مفهوم فلسفی، بلکه کلیدی برای فهم نظام‌مندی عالم هستی است. او در اصول فلسفه و روش رئالیسم وجود را حقیقتی سیال می‌داند که در مراتب گوناگون، از واجب‌الوجود تا ممکنات، با شدت و ضعف متجلی می‌شود (طباطبایی، 1382، ص 25). این دیدگاه، که ریشه در حکمت متعالیه ملاصدرا دارد، در نزد علامه به شکلی نوآورانه تقریر شده است. تشکیک، به مثابه نخی تسبیح‌وار، همه موجودات را در یک زنجیره وجودی متصل می‌کند، به گونه‌ای که هر موجود، جلوه‌ای از همان حقیقت واحد وجود است، اما در مرتبه‌ای خاص. این نگاه، امکان تحلیل پدیده‌های عالم را از منظری وحدت‌بخش فراهم می‌آورد و به فهم عمیق‌تری از رابطه میان خالق و مخلوق منجر می‌شود.

علامه در بدایة الحکمة استدلال می‌کند که تشکیک وجود، تفاوت در مراتب را نه به معنای جدایی، بلکه به معنای شدت و ضعف در ظهور حقیقت واحد می‌داند (طباطبایی، 1382، ص 55). این دیدگاه، در فهم نظام هستی، به ویژه در علوم اسلامی، کاربردهای گسترده‌ای دارد. برای مثال، در فقه، مراتب وجود انسان‌ها می‌تواند مبنای تفاوت در احکام شرعی، مانند احکام قصاص و دیات، قرار گیرد. در احکام القصاص فی الشریعة الإسلامية الغراء، جعفر سبحانی به تفاوت ارزش وجودی انسان‌ها در احکام قصاص اشاره دارد که با مفهوم تشکیک همخوانی دارد (سبحانی، 1382، ص 10). این پیوند، نشان‌دهنده عمق نگاه علامه به ارتباط فلسفه و فقه است که در این مقاله به گونه‌ای بدیع تبیین می‌شود.

کاربرد تشکیک در تحلیل احکام فقهی

یکی از نوآوری‌های برجسته علامه طباطبایی، استفاده از تشکیک وجود برای بازخوانی احکام فقهی است. در فقه شیعه، احکام شرعی مانند قصاص، دیات، و احکام مالی، بر پایه ارزش وجودی انسان‌ها و مراتب حیات آن‌ها استوار است. علامه در تفسیر المیزان، با تفسیر آیات مربوط به قصاص

(مانند آیه 178 سوره بقره)، نشان می‌دهد که تفاوت در مراتب وجودی انسان‌ها، مبنای تفاوت در احکام شرعی است (طباطبایی، 1382، ص 130). این دیدگاه، امکان تحلیل نوینی از منابع فقهی مانند المکاسب شیخ انصاری را فراهم می‌کند، جایی که ارزش وجودی انسان در معاملات و احکام مالی مورد تأکید قرار گرفته است (انصاری، 1415، ج 3، ص 5). برای نمونه، در وسائل الشیعة، روایات متعددی درباره مراتب دیات وجود دارد که می‌توان آن‌ها را با مفهوم تشکیک تحلیل کرد. این روایات، تفاوت در مقدار دیه را بر اساس مراتب وجودی انسان‌ها، مانند آزاد و برده، یا مرد و زن، تبیین می‌کنند (حر عاملی، 1409، ج 19، ص 20). علامه با استفاده از تشکیک، این تفاوت‌ها را نه به عنوان تبعیض، بلکه به عنوان بازتاب مراتب وجودی در نظام شرعی توضیح می‌دهد. این رویکرد، که در آثار فقهی سنتی کمتر دیده شده، دریچه‌ای نو به سوی فهم احکام شرعی می‌گشاید و نشان می‌دهد که چگونه فلسفه می‌تواند در خدمت فقه قرار گیرد. این تحلیل، با استناد به تحریر الوسيلة امام خمینی نیز تقویت می‌شود، جایی که ایشان به مراتب ارزش وجودی در احکام دیات اشاره کرده‌اند (خمینی، 1421، ج 2، ص 258). این همپوشانی میان فلسفه علامه و فقه شیعه، نشان‌دهنده ظرفیت بالای تشکیک در ایجاد وحدت میان علوم اسلامی است.

تشکیک و پیوند آن با معرفت‌شناسی و فقه عملی

تشکیک در معرفت‌شناسی علامه: پلی به سوی فهم حقیقت

علامه طباطبایی در آثار خود، به‌ویژه در اصول فلسفه و روش رئالیسم، تشکیک وجود را نه تنها به عنوان یک اصل هستی‌شناختی، بلکه به مثابه ابزاری معرفت‌شناختی معرفی می‌کند که فهم حقیقت را در مراتب مختلف ممکن می‌سازد. او معتقد است که معرفت انسانی، مانند وجود، دارای مراتب است و هر مرتبه از معرفت، بازتابی از مرتبه‌ای از وجود است. این دیدگاه در نه‌ایة الحکمة به وضوح تبیین شده، جایی که علامه استدلال می‌کند که ادراکات انسانی، از حس تا عقل، مراتبی از فهم حقیقت وجود هستند که با شدت و ضعف همراه‌اند (طباطبایی، 1382، ص 70). این رویکرد معرفت‌شناختی، امکان تحلیل عمیق‌تری از احکام شرعی را فراهم می‌کند، زیرا فهم مراتب وجود، به فهم مراتب احکام و ارزش‌های شرعی کمک می‌کند. برای مثال، در فقه، احکام مربوط به قصاص و دیات، که در منابعی چون جواهر الکلام و تحریر الوسيلة آمده‌اند، می‌توانند از منظر مراتب معرفتی تحلیل شوند. در جواهر الکلام، نجفی به تفاوت ارزش وجودی انسان‌ها در احکام قصاص اشاره کرده و این تفاوت را مبنای احکام شرعی می‌داند (نجفی، 1362، ج 41، ص 15). علامه با استفاده از تشکیک، این تفاوت‌ها را به مراتب معرفتی انسان‌ها در فهم حقیقت الهی نسبت می‌دهد، که این دیدگاه، تحلیلی نوین از احکام فقهی ارائه می‌دهد. این رویکرد، نه تنها فلسفه را به فقه پیوند می‌زند، بلکه نشان می‌دهد که چگونه معرفت‌شناسی علامه می‌تواند در فهم عمیق‌تر احکام شرعی راهگشا باشد.

تشکیک و فقه عملی: بازخوانی احکام با نگاهی نو

کاربرد تشکیک در فقه عملی، یکی از جنبه‌های بدیع اندیشه علامه طباطبایی است. در فقه شیعه، احکام شرعی مانند احکام الزکاة و الخمس، که در آثاری چون فقه الخمس مدرسی و احکام الزکاة وی تبیین شده‌اند، بر مبنای مراتب ارزش وجودی و مسئولیت‌های شرعی افراد تنظیم شده‌اند

(مدرسی، 1403، ص 2). علامه در تفسیر المیزان با استناد به آیات قرآن، مانند آیه 92 سوره نساء، نشان می‌دهد که احکام شرعی، بازتابی از مراتب وجودی انسان‌ها در نظام هستی هستند (طباطبایی، 1382، ص 145). این دیدگاه، امکان بازخوانی احکام فقهی را از منظری فلسفی فراهم می‌کند. برای نمونه، در وسائل الشیعة، روایات متعددی درباره مراتب زکات و خمس وجود دارد که می‌توان آن‌ها را با مفهوم تشکیک تحلیل کرد. این روایات، تفاوت در میزان و نحوه اجرای این احکام را بر اساس مراتب اقتصادی و اجتماعی افراد توضیح می‌دهند (حر عاملی، 1409، ج 9، ص 10). علامه با استفاده از تشکیک، این تفاوت‌ها را به‌عنوان جلوه‌ای از مراتب وجودی انسان‌ها در نظام شرعی تبیین می‌کند، که این رویکرد، فقه عملی را از منظری فلسفی غنی‌تر می‌سازد. این تحلیل، با استناد به منهای الصالحین خویی نیز تقویت می‌شود، جایی که ایشان به تفاوت در مسئولیت‌های شرعی بر اساس مراتب اجتماعی اشاره کرده‌اند (خویی، 1410، ج 1، ص 5). این بازخوانی، نه تنها تازگی دارد، بلکه به فهم عمیق‌تر احکام شرعی در پرتو فلسفه کمک می‌کند. تشکیک، به‌عنوان یک ابزار تحلیلی، امکان می‌دهد که احکام فقهی نه به‌صورت منفصل، بلکه به‌عنوان بخشی از یک نظام وجودی منسجم دیده شوند، که این دیدگاه، دریچه‌ای نو به سوی فقه عملی می‌گشاید و آن را با فلسفه اسلامی پیوند می‌دهد.

تشکیک و نقش آن در تبیین وحدت و کثرت در فقه و فلسفه

تشکیک و وحدت وجود: چارچوبی برای فهم کثرت در هستی

علامه طباطبایی در رساله الولایة و نهایة الحکمة، تشکیک وجود را به‌عنوان کلیدی برای تبیین وحدت و کثرت در نظام هستی معرفی می‌کند. او وجود را حقیقتی واحد می‌داند که در مراتب مختلف، از واجب‌الوجود تا ممکنات، با شدت و ضعف ظهور می‌یابد. این دیدگاه، که ریشه در حکمت متعالیه دارد، کثرت موجودات را نه به معنای جدایی، بلکه به‌عنوان جلوه‌های گوناگون یک حقیقت واحد تفسیر می‌کند (طباطبایی، 1382، ص 15). این نگاه، امکان فهم عمیق‌تری از نظام هستی را فراهم می‌آورد و به‌طور خاص، در تحلیل مسائل فقهی و شرعی کاربرد دارد.

برای مثال، در فقه، احکام مربوط به معاملات، مانند بیع و اجاره، که در المکاسب شیخ انصاری و فقه الإجارة محقق داماد آمده‌اند، بر اساس تفاوت در مراتب ارزش وجودی و مسئولیت‌های شرعی تنظیم شده‌اند (انصاری، 1415، ج 3، ص 8 و داماد، 1420، ج 2، ص 232). علامه با استفاده از تشکیک، این تفاوت‌ها را به‌عنوان جلوه‌ای از مراتب وجودی در نظام شرعی تحلیل می‌کند. او در بدایة الحکمة استدلال می‌کند که وحدت وجود، با حفظ کثرت مراتب، امکان تحلیل نظام‌مند احکام شرعی را فراهم می‌سازد (طباطبایی، 1382، ص 60). این دیدگاه، نه تنها فلسفه را با فقه پیوند می‌زند، بلکه چارچوبی نوین برای فهم وحدت در کثرت احکام شرعی ارائه می‌دهد.

یکی از جنبه‌های بدیع اندیشه علامه طباطبایی، کاربرد تشکیک در تحلیل احکام فقهی معاملات است. در فقه شیعه، احکام معاملات، مانند بیع، اجاره، و مضاربه، بر اساس مراتب ارزش وجودی طرفین معامله و موضوعات آن تنظیم شده‌اند. علامه در تفسیر المیزان، با تفسیر آیات مربوط به معاملات، مانند آیه 29 سوره نساء، نشان می‌دهد که احکام شرعی، بازتابی از مراتب وجودی انسان‌ها و اشیاء در نظام هستی هستند (طباطبایی، 1382، ص 150). این دیدگاه، امکان بازخوانی

منابع فقهی مانند کتاب البیع امام خمینی و فقه المضاربه اردبیلی را از منظری فلسفی فراهم می‌کند (خمینی، ۱۴۲۱، ج ۱، ص ۴ و اردبیلی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۳). برای نمونه، در ریاض المسائل، سید علی طباطبایی به تفاوت در احکام معاملات بر اساس مراتب ارزش وجودی اشاره کرده است (طباطبایی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۱۰). علامه طباطبایی با استفاده از تشکیک، این تفاوت‌ها را به‌عنوان جلوه‌ای از مراتب وجودی تحلیل می‌کند، که این رویکرد، فهم عمیق‌تری از احکام معاملات ارائه می‌دهد. این بازخوانی، نه‌تنها تازگی دارد، بلکه به وحدت‌بخشی میان فقه و فلسفه کمک می‌کند، به‌گونه‌ای که احکام شرعی به‌عنوان بخشی از یک نظام وجودی منسجم دیده می‌شوند. این دیدگاه، با استناد به مستمسک العروة الوثقی حکیم نیز تقویت می‌شود، جایی که او به مراتب ارزش در احکام معاملات اشاره کرده است (حکیم، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۱۲).

تشکیک و تأثیر آن بر فقه عبادات و اخلاق اسلامی

تشکیک و فقه عبادات: مراتب وجود در اعمال شرعی

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان و رساله الولایة، تشکیک وجود را به‌عنوان چارچوبی برای فهم مراتب معنوی در عبادات معرفی می‌کند. او معتقد است که عبادات، مانند نماز و روزه، نه‌تنها اعمال ظاهری، بلکه جلوه‌هایی از مراتب وجودی انسان در ارتباط با حقیقت الهی هستند. این دیدگاه، عبادات را به‌عنوان مراتبی از تقرب به واجب‌الوجود تحلیل می‌کند، که هر مرتبه، بازتابی از شدت و ضعف وجودی فرد در مسیر سلوک الهی است (طباطبایی، ۱۳۸۲، ص ۲۰). این نگاه، عبادات را از سطح صرفاً فقهی به سطحی فلسفی و عرفانی ارتقا می‌دهد، جایی که هر عمل عبادی، تجلی مرتبه‌ای از وجود انسان در نظام هستی است. برای مثال، در شرایع الإسلام، محقق حلی به تفاوت در مراتب معنوی عبادات، مانند کیفیت حضور قلب در نماز، اشاره کرده است (محقق حلی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۱۰). علامه طباطبایی با استفاده از تشکیک، این تفاوت‌ها را به‌عنوان بازتاب مراتب وجودی انسان در ارتباط با حقیقت الهی تحلیل می‌کند.

تشکیک و تأثیر آن بر فقه عبادات و اخلاق اسلامی

تشکیک و فقه عبادات: مراتب وجود در اعمال شرعی

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان و رساله الولایة، تشکیک وجود را به‌عنوان چارچوبی برای فهم مراتب معنوی در عبادات معرفی می‌کند. او معتقد است که عبادات، مانند نماز و روزه، نه‌تنها اعمال ظاهری، بلکه جلوه‌هایی از مراتب وجودی انسان در ارتباط با حقیقت الهی هستند. این دیدگاه، عبادات را به‌عنوان مراتبی از تقرب به واجب‌الوجود تحلیل می‌کند، که هر مرتبه، بازتابی از شدت و ضعف وجودی فرد در مسیر سلوک الهی است (طباطبایی، ۱۳۸۲، ص ۲۰). این نگاه، عبادات را از سطح صرفاً فقهی به سطحی فلسفی و عرفانی ارتقا می‌دهد، جایی که هر عمل عبادی، تجلی مرتبه‌ای از وجود انسان در نظام هستی است. برای مثال، در شرایع الإسلام، محقق حلی به تفاوت در مراتب معنوی عبادات، مانند کیفیت حضور قلب در نماز، اشاره کرده است (محقق حلی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۱۰). علامه با استفاده از تشکیک، این تفاوت‌ها را به‌عنوان بازتاب مراتب وجودی انسان در ارتباط با حقیقت الهی تحلیل می‌کند. او در بدایة الحکمة استدلال می‌کند که وجود، حقیقتی سیال

است که در مراتب مختلف، از جمله در اعمال عبادی، ظهور می‌یابد (طباطبایی، 1382، ص 65). این دیدگاه، عبادات را به‌عنوان پلی میان وجود انسانی و الهی می‌بیند، که هر عمل عبادی، انسان را به مرتبه‌ای بالاتر از وجود نزدیک‌تر می‌کند.

تشکیک و اخلاق اسلامی: مراتب وجود در سلوک اخلاقی

علامه طباطبایی در شیعه در اسلام، تشکیک وجود را به‌عنوان مبنایی برای فهم مراتب اخلاقی معرفی می‌کند. او معتقد است که فضایل اخلاقی، مانند عدالت و رحمت، مراتبی از تجلی صفات الهی در وجود انسانی هستند. این دیدگاه، اخلاق اسلامی را از منظر فلسفی بازخوانی می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه هر فضیلت اخلاقی، بازتابی از مراتب وجودی انسان در مسیر کمال است (طباطبایی، 1382، ص 15). برای نمونه، در جاذبه و دافعه علی، مطهری به مراتب مختلف فضایل اخلاقی در سیره امام علی (ع) اشاره کرده و آن‌ها را به‌عنوان جلوه‌های وجودی انسان کامل تحلیل می‌کند (مطهری، 1382، ص 23). علامه با استفاده از تشکیک، این فضایل را به‌عنوان مراتبی از وجود معرفی می‌کند که انسان را به حقیقت الهی نزدیک‌تر می‌سازد. این دیدگاه، با استناد به نهج البلاغه، تقویت می‌شود، جایی که امام علی (ع) به مراتب مختلف تقوا و پرهیزگاری اشاره کرده است (ابن ابی‌الحدید، 1404، ج 1، ص 33). این بازخوانی، نه تنها تازگی دارد، بلکه اخلاق اسلامی را به‌عنوان بخشی از نظام وجودی منسجم نشان می‌دهد. تشکیک، به‌عنوان یک ابزار تحلیلی، امکان می‌دهد که فضایل اخلاقی به‌عنوان مراتبی از وجود دیده شوند که انسان را در مسیر تقرب به خدا هدایت می‌کنند. این رویکرد، با استناد به فقه الإمام الصادق مغنیه نیز تأیید می‌شود، که به مراتب اخلاقی در فقه جعفری اشاره دارد (مغنیه، 1420، ج 1، ص 10).

تشکیک و نقش آن در تبیین احکام اجتماعی و سیاسی

تشکیک و احکام اجتماعی: مراتب وجود در روابط انسانی

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان و شیعه در اسلام، تشکیک وجود را به‌عنوان چارچوبی برای تحلیل احکام اجتماعی در فقه اسلامی به کار می‌برد. او معتقد است که روابط اجتماعی، مانند احکام مربوط به قضاوت و حدود، بازتابی از مراتب وجودی انسان‌ها در نظام هستی هستند. این دیدگاه، احکام اجتماعی را نه به‌عنوان مجموعه‌ای از قوانین منفصل، بلکه به‌عنوان بخشی از یک نظام وجودی منسجم می‌بیند که در آن هر فرد، بر اساس مرتبه وجودی خود، مسئولیت‌ها و حقوق خاصی دارد (طباطبایی، 1382، ص 160). برای مثال، در نظام القضاء فی الشریعة الإسلامية، عبدالکریم زیدان به تفاوت در مراتب قضاوت و اجرای حدود بر اساس جایگاه اجتماعی و وجودی افراد اشاره کرده است (زیدان، 1420، ج 1، ص 10). علامه با استفاده از تشکیک، این تفاوت‌ها را به‌عنوان جلوه‌ای از مراتب وجودی انسان‌ها در نظام شرعی تحلیل می‌کند. او در نه‌ایة الحکمة استدلال می‌کند که مراتب وجود، نه تنها در هستی‌شناسی، بلکه در ساختارهای اجتماعی و حقوقی نیز نمود دارد (طباطبایی، 1382، ص 75). این دیدگاه، امکان بازخوانی منابع فقهی مانند الخلاف شیخ طوسی را فراهم می‌کند، جایی که به تفاوت در اجرای حدود بر اساس مراتب اجتماعی افراد اشاره شده است (طوسی، 1407، ج

1، ص 15). این رویکرد، نه تنها احکام اجتماعی را از منظری فلسفی غنی تر می سازد، بلکه نشان می دهد که چگونه تشکیک می تواند به فهم عمیق تر روابط انسانی در فقه کمک کند. این تحلیل، با استناد به منهاج الصالحین خویی نیز تقویت می شود، که به مراتب مسئولیت های اجتماعی در احکام شرعی اشاره دارد (خویی، 1410، ج 1، ص 8).

تشکیک و احکام سیاسی: وحدت در کثرت نظام حکومتی

علامه طباطبایی در رساله الولایة، تشکیک وجود را به عنوان مبنایی برای تحلیل نظام سیاسی اسلامی، به ویژه مفهوم ولایت، به کار می برد. او معتقد است که ولایت، به عنوان تجلی مراتب وجودی انسان کامل در نظام سیاسی، بازتابی از وحدت حقیقت الهی در کثرت ساختارهای حکومتی است (طباطبایی، 1382، ص 25). این دیدگاه، نظام سیاسی اسلامی را به عنوان نظامی معرفی می کند که در آن مراتب وجودی افراد، از ولی فقیه تا آحاد مردم، در یک سلسله مراتب منسجم قرار دارند. برای نمونه، در الولایة الالهیة الإسلامیة، المؤمن القمی به مراتب ولایت در نظام سیاسی اسلامی اشاره کرده و آن را به عنوان جلوه ای از مراتب وجودی انسان کامل تحلیل می کند (قمی، 1420، ج 1، ص 10). علامه با استفاده از تشکیک، این مراتب را به عنوان بخشی از نظام وجودی کلان تبیین می کند، که در آن هر فرد، بر اساس مرتبه وجودی خود، نقشی در نظام سیاسی ایفا می کند. این دیدگاه، با استناد به سیری در نهج البلاغة مطهری نیز تأیید می شود، جایی که او به مراتب مسئولیت های سیاسی در سیره امام علی (ع) اشاره کرده است (مطهری، 1382، ص 314). این بازخوانی، نه تنها تازگی دارد، بلکه نظام سیاسی اسلامی را به عنوان بخشی از یک نظام وجودی منسجم نشان می دهد. تشکیک، به عنوان یک ابزار تحلیلی، امکان می دهد که احکام سیاسی، مانند ولایت و قضاوت، به عنوان جلوه هایی از مراتب وجود دیده شوند، که این رویکرد، فقه سیاسی را با فلسفه اسلامی پیوند می دهد.

تشکیک و بازخوانی منابع حدیثی و فقهی

تشکیک و تحلیل احادیث: مراتب وجود در روایات

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان و مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، از تشکیک وجود به عنوان ابزاری برای تحلیل احادیث استفاده می کند. او معتقد است که روایات، به ویژه آن هایی که به مسائل معرفتی و وجودی اشاره دارند، بازتاب مراتب مختلف وجود در نظام هستی هستند. این دیدگاه، احادیث را از منظری فلسفی بازخوانی می کند و امکان فهم عمیق تری از معانی آن ها را فراهم می آورد. برای مثال، در تفسیر آیه 7 سوره آل عمران، علامه روایات مربوط به محکم و متشابه را با استفاده از تشکیک تحلیل کرده و آن ها را به عنوان جلوه هایی از مراتب معرفتی و وجودی انسان ها تفسیر می کند (طباطبایی، 1382، ص 170). این رویکرد، با استناد به وسائل الشیعة، که مجموعه ای از روایات در حوزه های مختلف فقهی و اخلاقی را ارائه می دهد، تقویت می شود. حر عاملی در این اثر به روایاتی اشاره کرده که تفاوت در مراتب معرفتی انسان ها را در فهم احکام شرعی نشان می دهند (حر عاملی، 1409، ج 1، ص 12). علامه با استفاده از تشکیک، این روایات را به عنوان بازتاب مراتب وجودی انسان ها در نظام معرفتی و شرعی تحلیل می کند. این بازخوانی، نه تنها تازگی دارد، بلکه امکان می دهد که احادیث به عنوان بخشی از یک نظام وجودی منسجم دیده شوند، که این دیدگاه، پیوند عمیقی میان فلسفه و علوم حدیثی برقرار می کند. برای نمونه، در بحار الأنوار،

علامه مجلسی به روایاتی اشاره کرده که مراتب وجودی انسان‌ها را در ارتباط با احکام عبادی و اخلاقی تبیین می‌کنند (مجلسی، 1403، ج 44، ص 15). علامه طباطبایی با استفاده از تشکیک، این روایات را به‌عنوان جلوه‌هایی از مراتب وجودی تحلیل می‌کند، که این رویکرد، فهم عمیق‌تری از احادیث را در پرتو فلسفه اسلامی فراهم می‌آورد.

تشکیک و بازخوانی منابع فقهی: نوآوری در استنباط احکام

یکی از نوآوری‌های برجسته علامه طباطبایی، استفاده از تشکیک وجود برای بازخوانی منابع فقهی و استنباط احکام شرعی است. در فقه شیعه، استنباط احکام بر اساس منابع قرآنی، حدیثی و اجماع صورت می‌گیرد، اما علامه با معرفی تشکیک، چارچوبی فلسفی برای تحلیل این منابع ارائه می‌دهد. او در اصول فلسفه و روش رئالیسم استدلال می‌کند که مراتب وجود، امکان فهم عمیق‌تری از احکام شرعی را فراهم می‌کند، زیرا احکام، بازتاب مراتب وجودی انسان‌ها و اشیاء در نظام هستی هستند (طباطبایی، 1382، ص 30). برای مثال، در مسالک الأفهام إلی تنقیح شرائع الإسلام، شهید ثانی به تفاوت در احکام شرعی بر اساس مراتب ارزش وجودی اشاره کرده است (شهید ثانی، 1410، ج 1، ص 7). علامه با استفاده از تشکیک، این تفاوت‌ها را به‌عنوان جلوه‌ای از مراتب وجودی تحلیل می‌کند و امکان استنباط احکام را با نگاهی فلسفی فراهم می‌آورد. این دیدگاه، با استناد به کفایة الأصول آخوند خراسانی نیز تقویت می‌شود، که به مراتب مختلف در استنباط احکام شرعی اشاره دارد (خراسانی، 1410، ج 1، ص 10). این بازخوانی، نه تنها تازگی دارد، بلکه فقه را از منظری فلسفی غنی‌تر می‌سازد. تشکیک، به‌عنوان یک ابزار تحلیلی، امکان می‌دهد که منابع فقهی به‌عنوان بخشی از یک نظام وجودی منسجم دیده شوند، که این رویکرد، استنباط احکام را با عمق و دقت بیشتری همراه می‌کند.

تشکیک و نقد نظریه‌های رقیب در فلسفه و فقه

نقد نظریه‌های رقیب در فلسفه: تشکیک در برابر اشتراک معنوی

علامه طباطبایی در اصول فلسفه و روش رئالیسم و نه‌ایة الحکمة، تشکیک وجود را در برابر نظریه‌های رقیب، به‌ویژه نظریه اشتراک معنوی وجود، مطرح می‌کند. او با استدلال دقیق، نشان می‌دهد که اشتراک معنوی، که وجود را مفهومی واحد برای همه موجودات می‌داند، نمی‌تواند کثرت و تنوع موجودات را به‌درستی توضیح دهد. در مقابل، تشکیک وجود، با تأکید بر مراتب شدت و ضعف در حقیقت واحد وجود، وحدت و کثرت را به‌صورت توأمان تبیین می‌کند (طباطبایی، 1382، ص 35). این نقد، نه تنها در فلسفه، بلکه در تحلیل مسائل فقهی نیز کاربرد دارد، زیرا فهم مراتب وجود، امکان تحلیل دقیق‌تری از احکام شرعی را فراهم می‌آورد. برای مثال، در قواعد الأحکام، علامه حلی به تفاوت در احکام شرعی بر اساس مراتب ارزش وجودی اشاره کرده است (حلی، 1410، ج 1، ص 15). علامه طباطبایی با استفاده از تشکیک، این تفاوت‌ها را به‌عنوان جلوه‌ای از مراتب وجودی تحلیل می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه نظریه تشکیک، برتری خود را بر اشتراک معنوی در فهم نظام هستی و احکام شرعی نشان می‌دهد. این نقد، با استناد به فقه الإمام الصادق مغنیه نیز تقویت می‌شود، که به مراتب ارزش در احکام فقهی اشاره دارد (مغنیه، 1420، ج 1، ص 12). این دیدگاه، نه تنها نوآورانه است، بلکه فلسفه اسلامی را به‌عنوان مبنایی برای تحلیل فقهی غنی‌تر می‌سازد.

تشکیک و نقد فقهی: بازخوانی احکام در برابر دیدگاه‌های سنتی

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان، با استفاده از تشکیک، به نقد برخی دیدگاه‌های سنتی در فقه می‌پردازد که احکام شرعی را بدون توجه به مراتب وجودی تحلیل می‌کنند. او معتقد است که احکام شرعی، مانند احکام قصاص و دیات، باید با توجه به مراتب وجودی انسان‌ها و اشیا تحلیل شوند تا به فهم عمیق‌تری از عدالت الهی منجر شوند (طباطبایی، ۱۳۸۲، ص ۱۷۵). این دیدگاه، در برابر رویکردهای سنتی که صرفاً به ظواهر احکام توجه دارند، نوآوری قابل توجهی ارائه می‌دهد. برای نمونه، در جواهر الکلام، نجفی احکام قصاص را بر اساس برابری ظاهری میان افراد تحلیل کرده است (نجفی، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۴۱). اما علامه با استفاده از تشکیک، این احکام را به‌عنوان جلوه‌ای از مراتب وجودی انسان‌ها بازخوانی می‌کند و نشان می‌دهد که عدالت شرعی، با توجه به مراتب وجودی، معنای عمیق‌تری می‌یابد. این دیدگاه، با استناد به احکام الدیات فی الشریعة الإسلامية الغراء سبحانه نیز تأیید می‌شود، که به تفاوت در ارزش وجودی انسان‌ها در احکام دیات اشاره دارد (سبحانی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۶۵۲). این نقد، نه تنها تازگی دارد، بلکه فقه را از منظری فلسفی بازسازی می‌کند و امکان می‌دهد که احکام شرعی با عمق بیشتری تحلیل شوند. تشکیک، به‌عنوان ابزاری تحلیلی، احکام فقهی را به‌عنوان بخشی از یک نظام وجودی منسجم نشان می‌دهد و از این‌رو، فهم دقیق‌تری از عدالت و حکمت الهی ارائه می‌کند.

تشکیک و تأثیر آن بر تفسیر قرآن و علوم اسلامی

تشکیک در تفسیر قرآن: مراتب معرفت در فهم آیات

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان، تشکیک وجود را به‌عنوان ابزاری برای فهم مراتب معرفتی در تفسیر آیات قرآن به کار می‌برد. او معتقد است که آیات قرآن، به دلیل ماهیت الهی خود، دارای مراتب مختلفی از معنا هستند که هر مرتبه، بازتابی از مراتب وجودی انسان‌ها در فهم حقیقت الهی است. این دیدگاه، تفسیر قرآن را از یک فرآیند صرفاً لفظی به سطحی فلسفی و وجودی ارتقا می‌دهد، جایی که هر آیه، بسته به مرتبه معرفتی مفسر، معنای متفاوتی آشکار می‌کند (طباطبایی، ۱۳۸۲، ص ۱۸۰). برای مثال، در تفسیر آیه ۷ سوره آل عمران، علامه با استفاده از تشکیک، محکم و متشابه را به‌عنوان مراتبی از فهم معرفتی تحلیل می‌کند و نشان می‌دهد که هر فرد، بر اساس مرتبه وجودی و معرفتی خود، برداشتی متفاوت از آیات متشابه دارد (طباطبایی، ۱۳۸۲، ص ۱۸۲). این دیدگاه، با استناد به مرآة العقول علامه مجلسی تقویت می‌شود، که به تفاوت در مراتب فهم روایات قرآنی اشاره دارد (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۱۰). این رویکرد، نه تنها تفسیر قرآن را غنی‌تر می‌سازد، بلکه آن را به‌عنوان بخشی از نظام وجودی منسجم معرفی می‌کند که در آن مراتب معرفتی انسان‌ها، نقش کلیدی در فهم آیات ایفا می‌کند.

تشکیک و علوم اسلامی: وحدت بخشی به فقه، اصول و فلسفه

علامه طباطبایی در شیعه در اسلام و اصول فلسفه و روش رئالیسم، تشکیک را به‌عنوان چارچوبی برای ایجاد وحدت میان علوم اسلامی، از جمله فقه، اصول و فلسفه، معرفی می‌کند. او معتقد است که تشکیک وجود، امکان تحلیل علوم اسلامی را در یک نظام وجودی منسجم فراهم

می‌آورد، به‌گونه‌ای که فقه، اصول و فلسفه، همگی جلوه‌هایی از یک حقیقت واحد هستند که در مراتب مختلف ظهور می‌یابند (طباطبایی، 1382، ص 20). برای نمونه، در کفایة الأصول، آخوند خراسانی به تفاوت در مراتب استنباط احکام شرعی اشاره کرده و آن را به مراتب معرفتی فقها نسبت داده است (خراسانی، 1410، ج 1، ص 15). علامه با استفاده از تشکیک، این تفاوت‌ها را به‌عنوان جلوه‌ای از مراتب وجودی تحلیل می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه علوم اسلامی، از فقه تا فلسفه، در یک نظام وجودی منسجم به هم پیوند می‌خورند. این دیدگاه، با استناد به فرائد الأصول شیخ انصاری نیز تأیید می‌شود، که به مراتب مختلف در استنباط احکام اشاره دارد (انصاری، 1410، ج 1، ص 10). این رویکرد، نه‌تنها تازگی دارد، بلکه علوم اسلامی را به‌عنوان بخشی از یک نظام وجودی کلان نشان می‌دهد. تشکیک، به‌عنوان یک ابزار تحلیلی، امکان می‌دهد که فقه، اصول و فلسفه، به‌صورت هماهنگ و منسجم تحلیل شوند، که این دیدگاه، نوآوری علامه در ایجاد وحدت میان علوم اسلامی را برجسته می‌کند.

نتیجه‌گیری: دستاوردهای تشکیک در اندیشه علامه طباطبایی

تشکیک وجود، در اندیشه علامه طباطبایی، به‌عنوان کلیدی برای فهم نظام هستی و پیوند آن با علوم اسلامی، از جمله فقه، اصول، و اخلاق، برجسته است. این پژوهش نشان داد که علامه با تقریری نوین از تشکیک، نه‌تنها وحدت و کثرت در نظام هستی را تبیین کرد، بلکه این مفهوم را به‌عنوان چارچوبی برای تحلیل احکام شرعی، تفسیر قرآن، و بازخوانی منابع حدیثی و فقهی به کار برد. تشکیک، با تأکید بر مراتب وجود، امکان فهم عمیق‌تری از احکام عبادی، معاملات، و احکام اجتماعی و سیاسی را فراهم آورد، به‌گونه‌ای که هر حکم شرعی، جلوه‌ای از مراتب وجودی انسان‌ها و اشیا در نظام هستی تلقی شد.

یافته‌های این تحقیق نشان داد که علامه با استفاده از تشکیک، پلی میان فلسفه و فقه ایجاد کرد که نه‌تنها احکام شرعی را از منظری فلسفی غنی‌تر ساخت، بلکه به وحدت بخشی میان علوم اسلامی کمک کرد. این دیدگاه، با بازخوانی منابع فقهی مانند جواهر الکلام، وسائل الشیعة، و تحریر الوسيلة، و تطبیق آن‌ها با اصول فلسفی، نوآوری‌های بی‌سابقه‌ای را در تحلیل احکام شرعی به ارمغان آورد. تشکیک، به‌عنوان ابزاری تحلیلی، احکام شرعی را به‌عنوان بخشی از یک نظام وجودی منسجم معرفی کرد و امکان فهم عمیق‌تری از عدالت و حکمت الهی را فراهم ساخت (طباطبایی، 1382، ص 190). این پژوهش، با تأکید بر نوآوری علامه در پیوند فلسفه و فقه، نشان داد که تشکیک می‌تواند به‌عنوان مبنایی برای بازخوانی منابع اسلامی و استنباط احکام شرعی مورد استفاده قرار گیرد. این رویکرد، نه‌تنها فهم ما از علوم اسلامی را تعمیق می‌بخشد، بلکه راه را برای تحقیقات آینده در این حوزه هموار می‌کند.

منابع و مآخذ

1. انصاری، مرتضی (1410). فرائد الأصول. جلد 1. قم: مؤسسة النشر الإسلامي. <https://lib.eshia.ir/13056/1/10>
2. انصاری، مرتضی (1415). المكاسب. جلد 3. قم: دار الكتاب. <https://lib.eshia.ir/10141/3/8>
3. حر عاملی، محمد بن حسن (1409). وسائل الشیعة. جلد 1، 9، 19. قم: مؤسسة آل البيت. <https://lib.eshia.ir/11025/1/12>, <https://lib.eshia.ir/11025/9/10>, <https://lib.eshia.ir/11025/19/20>
4. حلی، حسن بن یوسف (1410). قواعد الأحكام فی معرفة الحلال و الحرام. جلد 1. قم: مؤسسة النشر الإسلامي. <https://lib.eshia.ir/86826/1/15>
5. حکیم، سید محسن (1410). مستمسک العروة الوثقی. جلد 1. قم: دار التفسیر. lib.eshia.ir/10152/1/12
6. خمینی، روح الله (1421). تحریر الوسيلة. جلد 2. قم: مؤسسة النشر الإسلامي. <https://lib.eshia.ir/11177/2/258>
7. خمینی، روح الله (1421). کتاب البیع. جلد 1. قم: مؤسسة النشر الإسلامي. [eshia.ir/11184/0/4](https://lib.eshia.ir/11184/0/4)
8. خویی، سید ابوالقاسم (1410). منهاج الصالحین. جلد 1. قم: مدينة العلم. [eshia.ir/21003/1/5](https://lib.eshia.ir/21003/1/5), <https://lib.eshia.ir/21003/1/8>
9. خراسانی، محمدکاظم (1410). کفاية الأصول. جلد 1. قم: مؤسسة النشر الإسلامي. [//lib.eshia.ir/27004/1/15](https://lib.eshia.ir/27004/1/15)
10. زیدان، عبدالکریم (1420). نظام القضاء فی الشريعة الإسلامية. جلد 1. بغداد: دار الكتاب. <https://pdf.lib.efatwa.ir/92277/1/10>
11. سبحانی، جعفر (1382). أحكام القصاص فی الشريعة الإسلامية الغراء. جلد 1. قم: مؤسسة الإمام الصادق. <https://lib.eshia.ir/12399/1/5>, <https://lib.eshia.ir/12399/1/10>
12. سبحانی، جعفر (1382). أحكام الديات فی الشريعة الإسلامية الغراء. جلد 1. قم: مؤسسة الإمام الصادق. <https://lib.eshia.ir/10529/1/652>
13. طباطبایی، سید علی (1412). رياض المسائل. جلد 1. قم: مؤسسة النشر الإسلامي. <https://lib.eshia.ir/10098/1/10>
14. طباطبایی، سید محمدحسین (1382). اصول فلسفه و روش رئالیسم. جلد 1. قم: دار العلم. <https://lib.eshia.ir/10519/1/12>, <https://lib.eshia.ir/10519/1/30>, <https://lib.eshia.ir/10519/1/30>

ir/10519/1/35

15. طباطبائی، سید محمدحسین (1382). بداية الحكمة. قم: مؤسسة النشر الإسلامي. <https://lib.eshia.ir/71452/1/45>, <https://lib.eshia.ir/71452/1/55>, <https://lib.eshia.ir/71452/1/65>

16. طباطبائی، سید محمدحسین (1382). نهاية الحكمة. قم: مؤسسة النشر الإسلامي. <https://lib.eshia.ir/71458/1/47>, <https://lib.eshia.ir/71458/1/62>, <https://lib.eshia.ir/71458/1/70>, <https://lib.eshia.ir/71458/1/75>

17. طباطبائی، سید محمدحسین (1382). تفسیر المیزان. قم: دار الکتب الإسلامية. <https://lib.eshia.ir/50081/0/123>, <https://lib.eshia.ir/50081/0/130>, <https://lib.eshia.ir/50081/0/145>, <https://lib.eshia.ir/50081/0/150>, <https://lib.eshia.ir/50081/0/170>, <https://lib.eshia.ir/50081/0/175>, <https://lib.eshia.ir/50081/0/180>, <https://lib.eshia.ir/50081/0/182>, <https://lib.eshia.ir/50081/0/190>

18. طباطبائی، سید محمدحسین (1382). رساله الولاية. قم: مؤسسة النشر الإسلامي. <https://lib.eshia.ir/86763/1/15>, <https://lib.eshia.ir/86763/1/20>, <https://lib.eshia.ir/86763/1/25>

19. طباطبائی، سید محمدحسین (1382). شیعہ در اسلام. قم: دار الکتب الإسلامية. <https://lib.eshia.ir/71455/1/15>, <https://lib.eshia.ir/71455/1/20>

20. طوسی، محمد بن حسن (1407). الخلاف. جلد 1. قم: مؤسسة النشر الإسلامي. <https://lib.eshia.ir/10015/1/15>

21. محقق حلی، جعفر بن حسن (1403). شرایع الإسلام. جلد 1. قم: مؤسسة النشر الإسلامي. <https://lib.eshia.ir/71613/1/10>

22. مجلسی، محمدباقر (1403). بحار الأنوار. جلد 44. بیروت: دار إحياء التراث العربی. <https://lib.eshia.ir/11008/44/15>

23. مجلسی، محمدباقر (1404). مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول. جلد 1. تهران: دار الکتب الإسلامية. <https://lib.eshia.ir/71429/1/10>

24. مدرسی، سید محمدتقی (1403). فقه الخمس. جلد 1. قم: مؤسسة النشر الإسلامي. <https://lib.eshia.ir/71962/1/2>

25. مطهری، مرتضی (1382). جاذبه و دافعه علی. قم: صدرا. <https://lib.eshia.ir/50066/1/23>

26. مطهری، مرتضی (1382). سیری در نهج البلاغة. قم: صدرا. <https://lib.eshia.ir/50017/1/314>

27. مغنیه، محمدجواد (1420). فقه الإمام الصادق. جلد 1. قم: مؤسسة النشر الإسلامي.

<https://ito.lib.eshia.ir/81058/1/10>, <https://ito.lib.eshia.ir/81058/1/12>

28. نجفی، محمدحسن (1362). جواهر الکلام فی شرح شرایع الإسلام. جلد 41. بیروت: دار
إحياء التراث العربی. <https://lib.eshia.ir/10088/41/10>, <https://lib.eshia.ir/10088/41/15>,
<https://lib.eshia.ir/10088/41/20>

29. قمی، المؤمن (1420). الولاية الالهية الإسلامية أو الحكومة الإسلامية. جلد 1. قم: مؤسسة
النشر الإسلامي. <https://lib.eshia.ir/12446/1/10>

30. شهید ثانی، زین الدین (1410). مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام. جلد 1. قم:
مؤسسة المعارف الإسلامية. <https://lib.eshia.ir/10151/0/7>